تحویل ۴۰۰ میلیارد ریال چك‌های گمشده به صاحبش

فرمانده نیروی انتظامی از دو مامور پاك‌دست و وظیفه‌شناس راهور که ۴۰۰ میلیارد ریال چك‌های حامل و وجوه نقد را پیدا و به صاحبش تحویل دادند، تقدیر و تشکر کرد.

به گزارش جام‌جم، سردار حسین اشتری در جلسه تقدیر از دو مامور پاك دست خاطر نشان کرد: این دو مامور وظیفه‌شناس یک کیف دستی که در آن مقداری وجوه نقد و چك‌های حامل به مبلغ ۴۰۰ میلیارد ریال بوده را پیدا و اولین چیزی که به ذهن آنها خطور کرده آن‌که هر چه سریع‌تر صاحب کیف را پیدا کنند و خوشبختانه از طریق بازرسی ناجا و هماهنگی بانك، در کمتر از سه ساعت از زمان پیدا شدن کیف توانستند صاحب آن را پیدا و وی را از نگرانی نجات داده و سبب مسرت و خوشحالی‌اش شوند.

در این جلسه به پاس وظیفه‌شناسی و قدردانی به این ماموران لوح تقدیر همراه سه ماه ارشدیت و ۱۵ روز حقوق و مزایا از سوی فرمانده نیروی انتظامی اهدا شد.

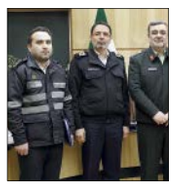

پشت‌صحنه یک جنایت

گفت‌وگو با دختر جوان که به اتهام قتل مادرش محاکمه شد

مادرکشی به خاطر قلیان

فاطمه شیخ علیزاده
گروه حوادث

دعوا و درگیری بین آنها تمامی نداشت. مادر و دختر همیشه بر سر موضوعات مختلف با هم کشمکش داشتند و بالاخره با مرگ زن میانسال مهر اتهام قتل عمد روی پرونده دختر جوانش نشست. ریحانه ۲۹ ساله که ابتدا به اتهام خود اعتراف کرده بود، در دادگاه آن را انکار کرد.

هفتم فروردین امسال بود که دختر جوان به نام ریحانه با ماموران پلیس تهران و آتش‌نشانی تماس گرفت و ادعا کرد مادرش در خانه، تنهاست و در را باز نمی‌کند. ماموران بعد از ورود به خانه، پیکر نیمه‌جان مادر ریحانه به نام فریبا را در پذیرایی خانه‌شان دیدند و این در حالی بود که ضربات سنگین باعث مجروح شدن فریبا از ناحیه سر و صورت شده و او بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. ریحانه اولین کسی بود که مورد بازجویی قرار گرفت و به ماموران گفت: «مادرم ناراحتی اعصاب داشت و داروهای زیادی مصرف می‌کرد که موجب خواب‌آلودگی و گیجی او می‌شد. روز حادثه برای خرید بیرون از خانه رفته بودم، اما وقتی برگشتم مادرم را در این حال دیدم. احتمالا او گیج بوده و زمین خورده است.»

نظریه پزشکی قانونی حاکی از آن بود که شدت ضربات وارد شده به سر فریبا شدیدتر از آن است که بتوان آن را بر اثر زمین خوردن اتفاقی تلقی کرد. همچنین تعداد ضربات وارد شده به سر و صورت را زیاد دانستند که این موضوع در زمین خوردگی محتمل نیست.

به این ترتیب بار دیگر ریحانه مورد بازجویی قرار گرفت و این دفعه به اتهام خود اعتراف کرد و گفت: «خیلی وقت‌ها با مادرم دعوایمان می‌شد. او ناراحتی اعصاب داشت. گاهی مرا از خانه بیرون می‌کرد. چند بار هم رویم چاقو کشیده و زخمی‌ام کرده بود. روز حادثه می‌خواستم قلیان بکشم، اما او می‌گفت از دود قلیان اذیت می‌شود و با دست زد و زغال را ریخت. بعد دعوایمان بالا گرفت و من سرش را چند بار به آینه کوبیدم.»

بعد از این‌که ریحانه به قتل مادرش اعتراف و صحنه قتل را بازسازی کرد، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد. متهم در دادگاه اتهام خود را انکار و ادعا کرد تحت فشار به قتل مادرش اعتراف کرده بوده. او گفت: «من مادرم را نکشته‌ام. تمام واقعیت همان بود که در اولین لحظه به پلیس گفتم. من برای خرید از خانه بیرون رفتم و وقتی برگشتم او را در حالی که زمین خورده بود در خانه دیدم.»

در جلسه دادگاه برادر ریحانه و پدر بزرگ و مادربزرگ او به عنوان اولیای دم از دادگاه تقاضای قصاص کردند و دختر جوان به قصاص محکوم شد.

سوءرفتارهای خانوادگی غربالگری شود

علیرضا شریفی یزدی
دکترای روان‌شناسی اجتماعی

از دید روان‌شناسی اجتماعی، بازنگری مناسب افرادی که مشکل عصبی دارند یك امر لازم و ضروری است. اگر فردی دچار اختلالات اعصاب و روان است باید مشکل او غربالگری شده و میزان مشکل به درستی سنجیده و خطرات احتمالی حدس زده شود. سپس با یك مداخله موثر و مناسب به روش مناسب، توسط فرد مناسب و در زمان مناسب مشکل موجود مرتفع شود.

در این تعریف فرد مناسب همان متخصص روان‌شناس است و زمان مناسب وقتی است که مشکل روحی و عصبی فرد به یك فاجعه منجر نشده باشد.

در این پرونده با موردی روبه‌رو هستیم که به نظر می‌رسد هم فرد متهم به قتل و هم مقتول مبتلا به اختلالات روحی بوده‌اند، اما آموزش و درمان به موقع و صحیح نگرفته‌اند و هر روز مشکل آنها در کنار هم حادتر شده است.

در این مورد خاص نیاز شدید به برنامه مستمر برای رفع مشکل اعصاب هر دو نفر وجود داشته که از آن بی‌بهره مانده‌اند.

در این مورد خانمی که به هر دلیلی مشکل روحی داشته، صلاحیت نگهداری از فرزند مبتلا به اختلال روحی را نداشته و همین مشکل آنها را حادتر کرده است. در چنین شرایطی اقدام دختر جوان به خودکشی عجیب به نظر نمی‌رسد، چراکه نیاز به حمایت روحی داشته که از آن بی‌بهره مانده و نبود ساز و کار مناسب و عملکرد صحیح یك فاجعه به بار آورده است. در چنین شرایطی راهکار صحیح این بود که دختر جوان را از محیط زندگی با مادرش خارج کرده و خانم تحت درمان قرار می‌گرفت.

مدرسه‌ها و دانشگاه به عنوان نهادی که ارتباط تنگاتنگ با نوجوانان و جوانان دارند، بهتر است در شناسایی خلا روحی جوانان و رسیدگی به آن دقت بالاتری داشته باشند.

می‌خواهم از اعدام نترسم

ریحانه ۲۹ ساله، روی صندلی دادگاه کیفری یك استان تهران روبه‌روی قاضی نشسته و منتظر است برگه صورت جلسه را امضا کند و همراه با مامور راهی زندان شود. پدر، برادر و اقوام مادرش در چند قدمی‌اش ایستاده‌اند و نگاه سردشان را به او دوخته‌اند. حالا نزدیك‌ترین اقوام او همان‌هایی هستند که در جلسه دادگاه تقاضای قصاصش را کرده‌اند.

بار چندم است که اینجا می‌آیی؟

دو بار محاکمه شده‌ام، اما قبل از آن هم در همین شعبه یك پرونده شکایت داشتم که به محکومیت متهم منجر شد.

آن پرونده چه بود؟

یك سال قبل از مرگ مادرم از پسر همسایه‌مان به اتهام آزار و اذیت شکایت کردم. او به زور وارد خانه‌مان شده بود.

در دادگاه گفتی مادرم به من می‌گفت آبروی ما را برده‌ای. برای همین پرونده این حرف را می‌زد؟

نه برای این‌که داد و بیداد راه می‌انداختم. مادرم می‌دانست که در آن پرونده من مقصر نبودم.

چرا داد و بیداد راه می‌انداختی؟

همیشه با مادرم سر هر چیز بی‌اهمیتی دعوایم می‌شد. مادرم چند سال قبل از مرگش از پدرم جدا شده بود. از آن زمان به بعد ناراحتی اعصابش شدید شده بود. خود من هم حال روحی خوبی نداشتم. حتی یك بار می‌خواستم خودم را از روی پل هوایی به وسط خیابان پرتاب کنم.

چرا حال روحی خوبی نداشتی؟

با پدر و مادرم مشکل داشتم. پدرم وضع مالی خوبی داشت، اما بعد از جدایی از مادرم از ما حمایت مالی نمی‌کرد. قبل از این هم که از همدیگر جدا شوند همیشه بین او و مادرم فحاشی و کتك کاری بود.

از روز حادثه بگو.

در دادگاه هم گفتم. آن روز مادرم زمین خورده بود. او پیش از این هم یك بار در خیابان به خاطر گیج شدن بعد از مصرف دارو زمین خورده بود و من او را به بیمارستان رسانده بودم. فکرش را نمی‌کردم که این بار این اتفاق به فوت مادرم منجر شود.

شب قبل از حادثه با مادرت دعوا کرده بودی؟

چند روز قبل از حادثه با مادرم دعوایم شد. به من گفت از خانه بیرون برو و من هم به منزل مادربزرگم رفتم، اما روز قبل از حادثه خودش با من تماس گرفت و گفت حالش خوب نیست. از من خواست برگردم خانه. من هم برگشتم. روز اول با من خوب بود، اما فردای آن روز باز سر قلیان دعوایمان شد. می‌خواست باز هم من را از خانه بیرون کند. برای همین باز چاقو کشید و انگشتم را با چاقو زخمی کرد. وقتی دستم خون آمد، کمی ترسید و عقب رفت. من هم از خانه بیرون آمدم که کمی آرام‌تر شود، اما وقتی برگشتم در را باز نکرد و بعد هم دیدم که زمین خورده است.

درس خوانده‌ای؟

بله، فوق‌دیپلم طراحی داخلی دارم. عاشق رشته تحصیلی‌ام بودم و بعد از اتمام درسم در یك شرکت تبلیغاتی کار پیدا کرده بودم. از وقتی سر کار رفتم، اوضاع مالی‌ام بهتر شد.

حقوقت را صرف خرج خانه می‌کردی؟

گاهی برای خانه هم خرید می‌کردم، اما بیشتر حقوقم را صرف تفریح و سر و لباس خودم کردم.

مثلا چه تفریحی؟

با دوستانم سینما و تئاتر می‌رفتم. با هم پارك می‌رفتیم و شام بیرون می‌خوردیم. دلم می‌خواست کاری کنم که شاد شوم. وقت‌های بیکاری هم در خانه نقاشی می‌کشیدم.

الان هم در زندان نقاشی می‌کشی؟

اصلا حال و حوصله ندارم. تمام وقتم روی تخت خوابم سپری می‌شود. هیچ کاری نمی‌کنم و با کسی حرف نمی‌زنم. فقط وقتی یکی از هم‌بندی‌هایم از سوییت برمی‌گردد با او حرف می‌زنم و از او می‌خواهم حال و هوای لحظه اعدام را برایم توصیف کند. با دقت به حرف‌هایشان گوش می‌دهم تا ترس طناب دار برایم بریزد.

اگر بخواهی همین الان یك نقاشی بکشی چه می‌کشی؟

تصویر مادرم را می‌کشم. با یك لباس سفید. خودم را هم کنارش می‌کشم. دلم می‌خواهد به‌زودی پیش او بروم. من عاشق مادرم بودم. با هم خیلی دعوا می‌کردیم، اما عزیزترین فرد زندگی‌ام بود.

> وقتی یکی از هم‌بندی‌هایم از سوییت برمی‌گردد با او حرف می‌زنم و از او می‌خواهم حال و هوای لحظه اعدام را برایم توصیف کند. با دقت به حرف‌هایشان گوش می‌دهم تا ترس طناب دار برایم بریزد

محاکمه قاتلی که ۲ بار از قصاص گریخت

اختلاف دو مغازه‌دار در شهرری به قتل یکی از آنها منجر شد. متهم که پیش از این هم یك بار مرتکب قتل شده و بخشیده شده بود، با رضایت اولیای دم این بار هم از قصاص نجات پیدا کرد و به تحمل سه سال حبس محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ششم اسفند سال گذشته، رسیدگی به پرونده قتل جوانی که در یك نزاع در پارکی حوالی شهرری کشته شده بود، آغاز شد. اظهارات شهود حاکی از این بود جوانی به نام منصور بعد از درگیری با مقتول ۲۸ ساله به نام فرید، با چاقو ضربه‌ای به کمر او وارد کرده و متواری شده بود. در حالی که متهم تا دو ماه بعد از وقوع قتل فراری بود، با تلاش پلیس بالاخره دستگیر شد و گفت: «محل کسب من و فرید به هم نزدیك است و با او سر مسائل جزئی لجبازی داشتم. روز حادثه بعد از این که مغازه مکانیکی را تعطیل کردم، با یکی از دوستانم در پارك نزدیك مغازه نشستیم. همان موقع فرید وارد پارك شد، در حالی که مست بود، سمت من آمد و دوباره بحثمان شد. یك دفعه چاقو کشید و به سمت من حمله کرد، من هم برای دفاع از خودم یك ضربه به او زدم و فرار کردم.»

با اعترافات متهم، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد اما قبل از رسیدن زمان رسیدگی اولیای دم با دریافت ۵۰۰ میلیون تومان از قصاص فرزندشان گذشت کردند. متهم روز گذشته در شعبه یازدهم دادگاه کیفری به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد و در دفاع از خود گفت: «برای دومین بار است که به اتهام قتل عمد به زندان می‌افتم. بار قبل سال ۸۵ بود و من ۱۸ سال داشتم و شاگرد یك مکانیکی بودم که با شاگرد دیگر مغازه، شوخی شوخی بحثمان شد و من یك پیچ گوشتی در سرش فروکردم. آن موقع با پرداخت ۱۵۰ میلیون تومان به اولیای دم، رضایت آنها را جلب کردیم. یك سال در زندان بودم و بعد از آزادی در کارم پیشرفت کردم اما این بار هم برای جلب رضایت پدر و مادر فرید، خانه‌مان را فروختیم. زندگی‌ام از بین رفته و با این‌که در آستانه ازدواج بودم، حالا باز باید از صفر شروع کنم. برای همین متنبه شده‌ام و از دادگاه تقاضای تخفیف در مجازات دارم.»

قضات دادگاه بعد از مشورت، متهم را به تحمل سه سال حبس محکوم کردند.

حکم قصاص عمو با درخواست برادرزاده

مرد انتقامجو که برادرش را با شلیك گلوله به قتل رسانده بود با تایید حکم قصاصش در دیوان عالی کشور، یك گام به مرگ نزدیك شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، در این پرونده مرد جوانی به خاطر درگیری و اختلاف مالی، برادرش را شامگاه ۲۶ فروردین سال ۹۷ زمانی که سوار خودروی هیوندا آزرا بود، در خیابان دماوند با شلیك گلوله‌ای به قلبش، به قتل رساند. با دستگیری متهم و اعتراف او به برادرکشی، صحنه جنایت را بازسازی کرد و روانه زندان شد. این در حالی بود که پدر مقتول پسرش را بخشید و با توجه به قیم بودن وی نسبت به پسرخردسال مقتول از بابت وی هم قاتل را بخشید، اما دختر ۱۲ ساله مقتول، خواستار قصاص عموی خود شد. پرونده این جنایت به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. متهم به قتل در جلسه دادگاه گفت: به دلیل اختلاف حساب مالی میلیونی که با برادرم داشتم با او درگیر شدم و از وی کینه به دل داشتم. همین باعث شد دو ماه قبل از جنایت سلاح بخرم و آن شب این قتل را رقم بزنم. سرانجام قضات دادگاه با توجه به این‌که دو عضو خانواده قاتل را بخشیده و دختر ۱۲ ساله مقتول همچنان قصاص می‌خواست حکم به قصاص متهم دادند که این رای در شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و دیروز پرونده به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران ارسال و مرد اعدامی یك گام به مرگ نزدیك شد.

دردسر سرقت گوشی آقای وکیل برای دزدان

چهار پسر ۱۸ ساله که با تشکیل باندی تحت پوشش مسافربر، از زنان و مردان سرقت می‌کردند، گمان نمی‌بردند سرقت گوشی مرد وکیل آنها را گرفتار می‌کند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، از چندی پیش زنان و مردانی با حضور در پلیس آگاهی شکایت کردند که به‌عنوان مسافرسوار خودروی پرایدی شدند که چهار سرنشین آن با چاقو آنها را تهدید کرده و بعد پول و گوشی تلفن همراهشان را دزدیده‌اند. با دستور بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، تحقیقات پلیسی ادامه یافت تا این‌که فردی که وکیل بود نیز به پلیس آگاهی آمد و شکایت کرد سارقان گوشی‌اش را دزدیده‌اند، اما موقعی که سارقان، وی را از خودرو بیرون انداختند توانسته شماره پلاك خودرویشان را به خاطر بسپارد. ماموران با استعلام از پلاك خودروی پراید متوجه شدند که مالك آن مهرداد ۱۸ ساله بوده که ساکن غرب کشور است که شناسایی و بازداشت شد. متهم در تحقیقات پلیسی به همدستی با سه دوستش در صد فقره سرقت اعتراف کرد و گفت: هفت ماه پیش همراه سه نفر از دوستانم به تهران آمده و در ساختمان‌های نیمه‌کاره و باربری مشغول کار شدیم. یك روز در پایانه مسافربری با مردی آشنا شدیم که او دزدی به شیوه زورگیری از مسافران با تهدید چاقو را به ما آموزش داد و ما سرقت می‌کردیم. تاکنون صد فقره دزدی انجام دادیم. قصد فروش پرایدم را داشتم که در مرکز خلافی متوجه دستور توقیف خودرویم شدم و از آنجا فرار کرده و بعد به قیمت ده میلیون تومان فروختم. قصد خرید یك خودروی پژو را داشتم که شناسایی و دستگیر شدم.

با اعتراف، وی سه همدستش نیز دستگیر شدند و به همدستی با وی در سرقت‌های گوشی تلفن همراه سرقتی و پول‌های شاکیان اعتراف کردند.

تلنگر

دختر دانشجو، سناریوی سرقت را کارگردانی کرد

رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری دو مرد و یك زن دانشجوی کارگردانی به جرم کیف‌قاپی از اتباع عراقی خبر داد و گفت: زن دانشجو به کارگردانی سرقت اعتراف کرد.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ کارآگاه کرم یوسف‌وند با اعلام این خبر گفت: یازدهم اردیبهشت امسال یکی از اتباع عراقی با مراجعه به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران به ماموران گفت: از کشور عراق برای معالجه به تهران آمدم. ساعت ۱۱ صبح در حالی که همراه همسرم قصد رفتن به بیمارستان را داشتم، سرنشینان یك دستگاه خودروی سواری پراید از خودرو پیاده و با قاپیدن کیف دستی‌ام که حاوی دو میلیون تومان وجه نقد، یکصدهزار دینار عراقی و دو دستگاه تلفن همراه بود، سوار بر خودرو شده و از محل گریختند.

کارآگاهان با حضور در محل سرقت، تصویر ناخوانایی از پلاك خودروی سارقان به‌دست آوردند که با اقدامات علمی، شماره پلاك خودروی سارقان شناسایی شد. ولی پس از استعلام مشخص شد که خودرو سرقتی بوده و سابقه ثبت سرقت در محدوده پایگاه سوم پلیس آگاهی دارد تا این‌که خودروی سرقتی توسط ماموران کلانتری حکیمیه تهرانپارس به صورت رها شده کشف و به پارکینگ انتقال می‌یابد.

در بررسی از داخل خودروی سرقتی یك قطعه کارت ملی مربوط به خانمی میانسال کشف شد که در اقدامات پلیسی مشخص شد این خانم فرزندی به نام فرید ۲۵ ساله دارد که سابقه‌دار بوده و به دفعات مختلف به جرم سرقت دستگیر شده است. تصویر فرید به مالباخته نشان داده شد و وی را به عنوان سارق اموالش شناسایی کرد.

تلاش برای شناسایی مخفیگاه متهم آغاز و سرانجام در محدوده نارمك شناسایی و با هماهنگی‌های قضایی اولین متهم پرونده در مخفیگاهش دستگیر و به پایگاه نهم پلیس آگاهی انتقال یافت. فرید در تحقیقات اولیه اظهار کرد: نقشه سرقت را همدستم به نام روشا که دختری ۲۲ ساله و دانشجوی کارگردانی است کشید. در ابتدا خودرو را در محدوده فاطمی سرقت کردیم. تردد شاکی و همسرش توسط فردی دیگر به روشا اعلام می‌شد تا این‌که در محل خلوتی روشا خودرو را متوقف و پس از سرقت کیف دستی اتباع عراقی از محل گریختیم.

در ادامه تحقیقات پلیسی مخفیگاه روشا در محدوده نیاوران شناسایی و دستگیر شد. دومین متهم پرونده هم اظهار کرد: دانشجوی کارگردانی هستم و به خاطر رابطه دوستی با فرید در سرقت‌ها با وی همکاری داشتم. فردی عراقی به نام محمود و ساکن دولت‌آباد آمار تردد شاکی را به من اطلاع‌رسانی می‌کرد.

در ادامه محمود نیز در یك عملیات پلیسی دستگیر شد.

واژگونی مرگبار اتوبوس

واژگونی اتوبوس مشهد به بندرعباس در محور کرمان، هفت کشته و ۳۱ مصدوم برجای گذاشت.

سیدمحمد صابری، رئیس اورژانس استان کرمان به ایرنا گفت: ساعت ۲ و ۴۳ دقیقه بامداد چهارشنبه ۲۵ دی امسال وقوع واژگونی اتوبوس مشهد به بندرعباس در کیلومتر ۴۵ محور کرمان - بردسیر به اورژانس گزارش شد. امدادگران برای نجات حادثه‌دیدگان در آنجا حضور یافتند و معلوم شد پنج زن و دو مرد که ۱۸ تا ۶۰ ساله هستند، فوت شده‌اند. مصدومان که ۳۱ نفر بودند بعد از اقدامات درمانی اولیه در بیمارستان بستری شدند.

رئیس پلیس راه شمال استان کرمان تخطی از سرعت مطمئنه در جاده لغزنده و و برفی را علت اصلی این حادثه عنوان کرد.

ریزش سقف کلاس

بخشی از سقف کلاس درس یك مدرسه در یکی از محله‌های شهر یزد فروریخت و باعث آسیب‌دیدگی معلم و یکی از دانش‌آموزان شد.

به گزارش روابط عمومی ناحیه یك آموزش و پرورش یزد، دیروز بخشی از سقف کلاس درس مدرسه ایثارگران الزهرا(س) در یکی از محله‌های شهر یزد به علت بارندگی‌های اخیر فرو ریخت. در این حادثه، معلم و یکی از دانش‌آموزان دچار صدمه شدند. آنها با انتقال به بیمارستان به صورت سرپایی درمان و مرخص شدند.